

نهضت ترجمه در عصر پیشامشروطه و شکل‌گیری گفتمان‌های نسل اول روشنفکران ایرانی^۱

سمیه عدیلی^۲

چکیده

این مقاله نهضت ترجمه در عصر پیشامشروطه و نقش آن در شکل‌گیری اولین نسل روشنفکران ایرانی را در دوره قاجار بررسی می‌کند. دوره مورد بررسی این پژوهش از آغاز نهضت ترجمه، حدوداً از ۱۸۰۷ م. / ۱۱۸۵ ه.ش در دوره سلطنت فتحعلی شاه، تا پیروزی انقلاب مشروطه در ۱۹۰۶ م. / ۱۲۸۵ ه.ش، در دوره سلطنت مظفرالدین‌شاه است. پژوهش حاضر به روش کتابخانه‌ای و با استفاده از منابع دست دوم و تحلیل محتوایی آن‌ها انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد که نهضت ترجمه در عصر پیشامشروطه یکی از عوامل مهم معرفی افکار مترقی غربی به ایرانیان بود. بدین ترتیب، در نتیجه این آشنایی، اولین نسل روشنفکران ایرانی با عنوان منورالفکر ظهور پیدا کردند و گفتمان‌های فکری مختلفی را پدید آوردند که عبارتند از گفتمان روشنفکران (رادیکال‌های سکولار، اصلاح‌گران پروتستانیسم، مصلحت‌جویان واقع‌گرا) و گفتمان علمای شیعه (مشروطه‌خواه و مشروعه‌خواه) که در هر دو از مفاهیم و آرای مدرن استفاده می‌شد. علاوه‌براین، تبیین ویژگی‌های اندیشه‌گانی هریک از این گفتمان‌ها در پژوهش حاضر نشان داد که این گفتمان‌ها باوجوداینکه از لحاظ برخی جهت‌گیری‌ها از اساس بسیار متفاوت بودند، در موازات یکدیگر قرار داشتند و موجب افزایش آگاهی مردم و برانگیختن آنان در مبارزه با استبداد شدند که در نهایت به پیروزی انقلاب مشروطه ایران ختم شد.

واژه‌های راهنما: روشنفکری، عصر قاجار، علما، گفتمان، منورالفکران، نهضت ترجمه

۱. این مقاله در تاریخ ۱۴۰۳/۱۲/۰۳ دریافت شد و در تاریخ ۱۴۰۴/۰۱/۲۵ به تصویب رسید.

۲. استادیار گروه مترجمی زبان انگلیسی، دانشکده علوم انسانی، مؤسسه آموزش عالی ارشد دماوند، تهران، ایران؛

پست الکترونیک: s.adili@e-damavandihe.ac.ir

۱. مقدمه

ترجمه، در ادوار مختلف، به‌مانند نیرویی انگیزه‌دهنده و ابزاری نیروبخش در تغییر ساختارهای اجتماعی عمل کرده است. این نقش مهم ترجمه را می‌توان در دوره‌های مختلف تاریخی ایران مشاهده کرد، به‌ویژه در دوره قاجار پیشامشروطه، یعنی از شروع نهضت ترجمه از حدود ۱۸۰۷ م. / ۱۱۸۵ ه.ش تا پیروزی انقلاب مشروطه در ۱۹۰۶ م. / ۱۲۸۵ ه.ش که موجب ایجاد تغییرات عظیم در جامعه عقب‌مانده ایران آن زمان شد. شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ایران آن دوره در برخی از مردم به ویژه افراد تحصیلکرده تلنگرهای فکری ایجاد کرد. در نتیجه این امر، مترجمان سعی کردند از طریق ترجمه، در میان طبقات مختلف جامعه، افکار جدید را وارد کنند. مسائلی چون نابرابری و بی‌عدالتی، نبود آزادی فکر و بیان، توجه نکردن به عقلانیت و خردورزی، نبود ادارات و سفارتخانه‌ها، ظلم و ستم شاهان و درباریان و غیره سبب شد که مترجمان آثار مرتبط با این مسائل و راه‌حلشان را از زبان‌های مختلف به فارسی ترجمه کنند. هدف آنها پرکردن شکاف‌ها، ایجاد روشنفکری و خلق فضایی فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در جهت بهبود اوضاع بود. تلاش این مترجمان نتایج متعددی داشت، مانند عرضه و ارایه بسیاری از واژه‌ها، اصطلاحات و مفاهیم به زبان فارسی که قبل از آن در زبان فارسی وجود نداشت، که خود یکی از عوامل شکل‌گیری اولین نسل روشنفکران ایرانی تحت عنوان منورالفکران شد که سعی داشتند افکار متمدنی غربی را با توجه به شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشور وارد جامعه ایران کنند. در ذیل، نقش مترجمان عصر پیشامشروطه در شکل‌گیری گفتمان‌های نسل اول روشنفکران ایرانی بررسی و ویژگی‌ها و خط‌مشی فکری این روشنفکران تبیین می‌شود.

۲. ایران در عصر قاجار

دودمان قاجار حدوداً از ۱۷۸۹ م. / ۱۱۶۸ ه.ش تا ۱۹۲۵ م. / ۱۳۰۴ ه.ش (حدود ۱۳۶ سال) بر ایران حکومت کرد. در طول این مدت هفت پادشاه به قدرت رسیدند: آقا محمدخان، فتح‌علی‌شاه، محمدشاه، ناصرالدین شاه، مظفرالدین شاه، محمدعلی شاه و احمدشاه. در اواسط قرن نوزدهم میلادی، ایران کشوری عقب‌مانده بود. جمعیت ایران از پنج میلیون نفر تجاوز نمی‌کرد (Abrahamian, 1979). بیش از ۹۰ درصد این جمعیت بی‌سواد بودند (Fard Saidi, 1974).

کتب علمی، نشریات، ابزار ارتباطی و اطلاع‌رسانی، زیرساخت و شبکه‌های حمل و نقل وجود نداشت و خرافات در جامعه بیداد می‌کرد (Farahzad & Adili, 2019).

نظام اقتصادی ایران معیشتی^۳ یا به تعبیر زیباکلام (۱۳۹۴) اقتصاد بخور و نمیر بود. اکثر مردم کشاورز بودند؛ صنایع و تکنولوژی مدرن در کشور وجود نداشت و زراعت به شیوه بسیار ابتدایی و سنتی انجام می‌شد و بعضاً به دلیل خشکسالی یا آفت کشاورزان با مشکلات جدی مواجه می‌شدند. «مالیات‌های سنگینی که بر مردم وضع می‌شد، غارت ثروت کشور توسط شاهان قاجار، اعطای امتیاز به قدرت‌های اروپایی و امثالهم زندگی مردم ایران را که با فقر دست و پنجه نرم می‌کردند، فلاکت‌بار کرده بود» (Farahzad & Adili, 2019, p. 9).

نظام سیاسی کشور سلطنت مطلقه بود که در آن قدرت در دست شخص شاه متمرکز می‌شد. حکومت شاهان قاجار فراقانونی^۴ بود و برای اعمالشان پاسخگوی کسی نبودند. از نظرشان مردم رعیت محسوب می‌شدند که هیچ نوع حق و حقوقی نداشتند. با اینکه شاهان قاجار در مسند قدرت بودند ولی خطمشی سیاسی آنها بر پایه تفرقه‌افکنی بود (Abrahamian, 1982). آنان خود را ظل‌الله (سایه خدا) و نماینده خدا روی زمین معرفی می‌کردند و تأکید داشتند که مشروعیتشان منشأ الهی دارد. بنابراین، «هر نوع مخالفت علیه حکومت را کفر و قیام علیه اسلام قلمداد می‌کردند» (Tavakoli Targhi, 1988, pp. 16–17) که به شدت سرکوب می‌شد. باوجوداین، اکثر علما «که نقش مهمی در زندگی مردم داشتند، به شدت اعمال و اقدامات پادشاهان را مورد انتقاد قرار می‌دادند و با آنها مخالفت می‌کردند و به مرور موجب کمرنگ شدن مشروعیت آنان می‌شدند» (Farahzad & Adili, 2019, p. 9).

۳. شروع نهضت ترجمه

اولین جرقه‌های تجربه تجدد در دوره فتح‌علی‌شاه (۱۷۹۷م./۱۱۷۵ه.ش - ۱۸۳۴م./۱۲۱۳ه.ش) رقم خورد. پس از شکست ایران در جنگ‌های ایران و روس و امضای عهدنامه‌هایی

3. subsistence economy

4. extrajudicial

که منجر به ازدست رفتن قلمرو وسیعی از ایران شد، عباس میرزا، نائب السلطنه، متوجه شد که دلیل این ناکامی‌ها، عقب ماندگی ایران در عرصه‌های علمی، نظامی، سیاسی و اجتماعی است. بنابراین دست به دو اقدام مهم زد: سفارش ترجمه کتاب در علوم مختلف و اعزام دانشجویان به کشورهای اروپایی برای یادگیری علوم مدرن، تا پس از بازگشت از تخصصشان در کشور استفاده شود. این پروژه پس از مرگ نابهنگام عباس میرزا (۱۸۳۳ م. / ۱۲۱۲ ه. ش) و حتی در زمان سلطنت محمدشاه (۱۸۳۴ م. / ۱۲۱۳ ه. ش - ۱۸۴۸ م. / ۱۲۲۷ ه. ش) با بودجه دولتی ادامه پیدا کرد. اما نهادینه شدن ترجمه در زمان سلطنت ناصرالدین شاه (۱۸۴۸ م. / ۱۲۲۷ ه. ش - ۱۸۹۶ م. / ۱۲۷۵ ه. ش) اتفاق افتاد؛ زمانی که امیرکبیر، صدراعظم ناصرالدین شاه، در تلاش برای انجام اصلاحات در کشور، مدرسه دارالفنون، اولین مدرسه مدرن آموزش عالی در ایران را برای تربیت متخصصان ایرانی تأسیس کرد (Haddadian Moghaddam, 2014). در این مدرسه علوم مختلف تدریس می‌شد و کتاب‌های زیادی ترجمه شد و به عنوان منبع درسی در اختیار دانشجویان قرار گرفت؛ حتی کلاس‌های آموزش زبان‌های خارجی دایر شد تا دانشجویان زبان‌های فرنگی را یاد بگیرند که برخی از آنها بعد از فارغ التحصیلی، خود دست به ترجمه کتاب زدند. تا زمانی که آموزش، تعلیم و تربیت مد نظر بود، شاه و درباریان، بسیار به این مدرسه می‌بالیدند؛ ناصرالدین شاه برای اینکه وجهه خوبی در ایران و حتی خارج از ایران از خود نشان دهد، مرتب از آن بازدید می‌کرد و معلمان و دانشجویان دارالفنون را مورد تشویق قرار می‌داد، اما بعد از اینکه شاه و درباریان متوجه شدند دانشجویان بین خود و عموم مردم برای روشنگری شب‌نامه رد و بدل می‌کنند و آزادی و قانون خواهی را بین خود زمزمه می‌نمایند، حمایت از دارالفنون را متوقف کردند (قاسمی پویا، ۱۳۷۷). شایان ذکر است پروژه اعزام دانشجویان اروپایی در اوایل دوره ناصری نیز ادامه داشت. اتفاق مهم دیگر در این دوره تأسیس دارالترجمه ناصری بود. در دارالترجمه فعالیت‌های مختلفی انجام می‌شد، مانند ترجمه بسیاری از کتاب‌های علمی و ادبی، نوشتن کتب درسی و آموزش رایگان زبان‌های خارجی. اما در هر صورت دارالترجمه یک نهاد درباری بود و هر کتاب قبل از چاپ می‌بایست به تأیید شاه می‌رسید و هر بخش که حذف آن ضروری به نظر می‌رسید، سانسور می‌شد (علم و غلامی زرنه، ۱۳۹۴). دربار حساسیت شدید نسبت به مطالبی داشت که

راجع به حکومت و شاه درج می‌شد و به‌همین دلیل در ۱۸۸۵ م. / ۱۲۶۳ ه. ش دایرهٔ سانسور تأسیس شد که زیرمجموعه وزارت انطباعات بود، تا بدین وسیله مانع از نشر و اشاعه اطلاعاتی خاص از طریق کتاب و نشریات شوند، با وجود همهٔ این اقدامات، افکار مدرن از طریق ترجمهٔ مترجمان دگراندیش وارد جامعه ایران شد (Farahzad & Adili, 2019).

۴. مترجمان دگراندیش و ورود افکار جدید

ظهور مترجمان دگراندیش پدیدهٔ نوظهوری بود که در عصر ناصری رخ داد؛ آثار این مترجمان نشان‌دهندهٔ تقابل فکریشان با دولت وقت است (آذرنگ، ۱۳۹۴، ص. ۲۷۷-۲۷۸). تحلیل و بررسی منابع دست دوم در پژوهش حاضر نشان می‌دهد که مترجمان دگراندیش مستقل بودند و آزادانه و خارج از کنترل حکومت، در جهت روشنگری و افزایش آگاهی مردم دست به ترجمه کتب ممنوعه می‌زدند. آنان خواهان تحول اوضاع نابسامان ایران بودند و فعالیت‌های مختلفی داشتند که در ذیل دسته‌بندی و تبیین می‌شوند.

مترجمان دگراندیش در کمپین‌های سیاسی مشارکت و از آن‌ها حمایت می‌کردند. برخی از آنان همزمان مترجم و روزنامه‌نگار بودند و در روزنامه‌های تبعیدی قلم می‌زدند. روزنامه‌های تبعیدی، نشریاتی بودند که در خارج از ایران به‌دست آزادیخواهانی که به دلیل نبود آزادی بیان، استبداد و خفقان، تبعید خودخواسته را برگزیده و از ایران مهاجرت کرده بودند، چاپ می‌شد و سپس از طریق قاچاق به ایران می‌رسید و در شهرها و ولایات پخش می‌شد. افراد باسواد در مراکز تجمع عمومی نظیر قهوه‌خانه‌ها، مساجد، بازار، زورخانه‌ها، انجمن‌ها و غیره مطالب این روزنامه‌ها را برای افراد بی‌سواد می‌خواندند که سبب می‌شد آرا و عقاید جدید در سرتاسر کشور اشاعه پیدا کند و موجب افزایش آگاهی عموم شود (Yadegari, 1979). در میان این روزنامه‌ها می‌توان از *اختر، قانون، حکمت، حبل‌المتین و عروة‌الوثقی* نام برد که به ترتیب در استانبول، لندن، قاهره، کلکته و پاریس چاپ می‌شدند. یکی از مهم‌ترین تأثیر این روزنامه‌ها را می‌توان در نقش آنها در شکل‌گیری اعتراضات مردمی مشاهده کرد. مثلاً، می‌توان به ترجمهٔ مطلبی از روزنامه ترکی صباح

چاپ استانبول راجع به اعطای امتیاز توتون و تنباکو^۵ اشاره کرد که روزنامه/ختر آن را از زبان ترکی عثمانی به فارسی ترجمه و منتشر کرد. مطالب این مقاله نشان می‌داد که با اعطای این امتیاز، ایرانیان متحمل چه ضرر هنگفتی می‌شدند (Yadegari, 1979). روزنامه/ختر با درج این مطلب و آگاه کردن مردم ایران، در شکل‌گیری نهضت توتون و تنباکو به رهبری آیت‌الله میرزای شیرازی نقش بسیار مؤثری داشت.

برخی دیگر از مترجمان دگراندیش عضو انجمن‌های مخفی بودند و از ترجمه به‌عنوان ابزاری در جهت آگاهی‌بخشی استفاده می‌کردند. انجمن‌های مخفی به‌صورت روزانه یا هفتگی در مراکز خود گرد هم می‌آمدند، روزنامه‌های ممنوعه را می‌خواندند و عملکرد خود و همین‌طور تحولات روز و اوضاع مملکت را ارزیابی می‌کردند (ذاکرحسین، ۱۳۷۵). در این انجمن‌ها بعضاً از مترجمان می‌خواستند که مطالب مترقیانه منتشرشده در نشریات خارجی را به‌فارسی برگردانند و در اختیار اعضا قرار دهند. این مطالب در جلسات این انجمن‌ها به بحث گذاشته می‌شد. همچنین، این ترجمه‌ها را به‌ویژه از اواخر دوره ناصری به‌بعد که موج گسترده‌ای از ممنوعیت مطبوعات در کشور به‌راه افتاد، در شب‌نامه‌ها چاپ می‌کردند و به‌طور مخفیانه در اختیار عموم قرار می‌دادند (Farahzad & Adili, 2019). این انجمن‌ها با روزنامه‌نگاران و مترجمان روزنامه‌های تبعیدی نیز ارتباط می‌گرفتند و از آن‌ها می‌خواستند تا مقالاتی روشنگرانه به‌زبان فرانسوی و انگلیسی بنویسند و در نشریات خارجی به چاپ برسانند تا حمایت مردم اروپا را نسبت به خود جلب کنند (کهن، ۱۳۶۰).

از اواخر دوره ناصری اجرای تئاتر به‌سبک غربی در ایران شروع شد که در دوره مظفری به اوج خود رسید. مترجمان دگراندیش از این فرصت پیش‌آمده نیز استفاده کردند و دست به ترجمه نمایشنامه با مضامینی زدند که بی‌سواد، ناآگاهی، خرافات، رذائل اخلاقی، تبعیض جنسی، فساد، ظلم و ستم، استبداد، استعمار و ... را به‌شدت مورد انتقاد می‌داد؛ بنابراین، تئاتر به رسانه و

۵. امتیاز توتون و تنباکو در ۱۲۶۸.م/۱۸۹۰.ش از سوی ایران به کمپانی رژی داده شد که طی آن به‌مدت پنجاه سال این کمپانی انحصار تولید، فروش و صادرات تنباکو را در اختیار می‌گرفت.

ابزاری برای انتقاد از حکومت و وضعیت سیاسی-اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران تبدیل شد که در جهت ترویج ارزش‌های اخلاقی و گسترش گفتمان‌های سیاسی مدرن حرکت می‌کرد (Farahzad & Adili, 2019).

مترجمان دگراندیش در دوره ناصری نقش مهمی در آشنایی ایرانیان با اندیشه‌های مدرن غربی داشتند. ترجمه‌های آنها یکی از ابزارهای اصلی برای این آشنایی بود. «از طریق این ترجمه‌ها مفاهیم جدیدی چون دموکراسی^۶، عدالت و برابری، آزادی بیان و اندیشه، قانون‌خواهی، امانیسم^۷، سکولاریسم^۸، لیبرالیسم^۹، اندیشه‌ورزی و خردگرایی، ملی‌گرایی، حکومت مشروطه، حقوق بشر و غیره وارد زبان فارسی شد. این آشنایی راه را برای شکل‌گیری نسل اول روشنفکران ایرانی در میان طبقه متوسط با عنوان *منورالفکر هموار کرد*» (Farahzad & Adili, 2019, p. 17) که برخی از آنان خود از مترجمان دگراندیش آن دوره بوده‌اند. در پی آشنایی ایرانیان با اندیشه‌های متجددانه اروپایی، تقلید از آن و ظهور اولین نسل روشنفکری، انواع مختلفی از گفتمان‌های فکری در ایران شکل گرفت. در این گفتمان‌ها، حتی با وجود برخی تفاوت‌های بنیادی در دیدگاه، در بعضی مسائل بسیار مهم اتفاق نظر وجود داشت، مانند نفی استبداد و استعمار، محدود کردن قدرت شاه، برقراری عدالت و برابری، قانون‌خواهی، زدودن فقر، پیشرفت ایران و ... این گفتمان‌ها «تا قبل از پیروزی انقلاب مشروطه در موازات هم بودند و ارزش و عمومیت یکسانی داشتند، باین‌حال، مطالعات تاریخی نشان می‌دهد که قدرت علما در متحد کردن گروه‌های مختلف بسیار مؤثر بوده است» (Farahzad & Adili, 2019). این گفتمان‌ها در ذیل بررسی می‌شوند.

۵. گفتمان‌های روشنفکری در عصر پیشامشروطه

اوایل قرن نوزدهم در ایران شروع تحولات عظیم در کشور بود که در حال تبدیل کردن ایران از یک جامعه سنتی به یک جامعه مدرن بود. بدون شک، شکل‌گیری هر نوع تفکر

6. democracy

7. humanism

8. secularism

9. liberalism

روشنفکری در یک کشور تحت تأثیر شرایط اجتماعی و همین‌طور تغییراتی است که در آن کشور روی می‌دهد. هرچند روشنفکری در این دوره بسیار تحت تأثیر افکار مدرن غربی بود، اما لازمه شکل‌گیری آن وجود بستر اجتماعی مناسب برای ورود این افکار بود. عقب‌ماندگی ایران و تلاش برای رهایی از این عقب‌ماندگی که پیشتر به آن اشاره شد، راه را برای این مسئله هموار کرد.

اما عصر روشنگری و پیدایش روشنفکری در غرب، در نتیجهٔ تعصب کلیسای مسیحی کاتولیک در برخورد با اکتشافات علمی مدرن، ثمرهٔ پایان قرون وسطی و شکل‌گیری جهان‌بینی جدید در اروپا مبتنی بر تفکر آزاد بود که به‌شدت با رد تعصبات مذهبی کلیسای کاتولیک گره خورده بود. تعقل و خرد مهم‌ترین چیزی بود که مورد توجه طرفداران روشنفکری در اروپا بود. آنها معتقد بودند که انسان، با خرد خود بدون نیاز به وحی می‌تواند به‌سوی تعالی، سعادت و پیشرفت حرکت کند (شاه‌علی، ۱۳۹۱). نتیجهٔ چنین تفکری، نگرستن به حقیقت مبتنی بر منطق، عقل و تجربه‌گرایی^{۱۰} بود نه بر مبنای اقتدار، سنت، وحی یا جزم^{۱۱}. بنابراین، روشنفکری در غرب محصول رویکرد انسان‌گرایانه (امانیسم) به جهان بود که تلاش می‌کرد تفسیری جدید از انسان^{۱۲} و شئون انسانی^{۱۳} ارائه دهد (مریجی، ۱۳۸۶). فیلسوفان اروپایی با بسط آزاداندیشی و تأکید بر اومانیزم سعی کردند راجع به جدایی کلیسا از حکومت که ویژگی اصلی روشنفکری غربی است، نظریه‌پردازی کنند. هدف آنها رهایی جوامع اروپایی از مشکلات سیاسی-اجتماعی‌ای بود که از قوانین کلیسای کاتولیک ناشی می‌شد و درصدد بودند این مشکلات را از طریق قوانینی که در پارلمان تصویب می‌شد، رفع کنند. به‌طور خلاصه، «آزادی، انسان‌گرایی، خردگرایی، سکولاریسم، قانون‌گرایی و تساهل از ویژگی‌های اساسی مدرنیته و عصر روشنگری هستند» (سردارنیا، ۱۳۸۹، ص. ۱۷۸).

باید توجه داشت که روشنفکری و مدرنیته در کشورهای غربی پس از یک روند طولانی

10. empiricism

11. dogma

12. humanity

13. dignity

کشمکش و چالش آغاز شد. اروپاییان در قرون وسطی اسیر دست کلیسای کاتولیک بودند که بر مردم ظالمانه و مستبدانه حکومت می‌کرد. شاه‌علی (۱۳۹۱) معتقد است در چنین حکومت استبدادی، واکنش علما و فیلسوفان اروپایی در برابر مسیحیت و دین کاملاً طبیعی بود. با این حال، بر خلاف روشنفکری غربی که در پی رویارویی کلیسا با دستاوردهای علمی مدرن و نیز الگوهای فکری جدید پدید آمد، شکل‌گیری نسل اول روشنفکران ایرانی در نتیجه افزایش آشنایی جامعه سنتی ایران با تمدن مدرن غربی بود. بنابراین، آرا و عقاید آنها کاملاً در بسترهای فرهنگی-اجتماعی غربی ریشه داشت. آنها به‌شدت تحت تأثیر آموزه‌های مدرن غربی بودند که غیرمذهبی و متکی بر اومانیسزم و خرد بود. آقاحسینی و مهدی‌پور (۱۳۹۲، ص. ۴۵) بر این باورند که

روشنفکران موج اول با مرجع قرار دادن گفتمان مدرنیته، مرزهای هویت ایرانی را در تقابل با سنت، اسلام و روحانیون تعریف کردند و گفتمان تازه‌ای را در سپهر تاریخی-فرهنگی ایران تولید کردند که رجوع به غرب و تسلیم در برابر آن اجتناب‌ناپذیر آمد.

[. . .] «روشنفکران ایرانی در مواجهه با عقب‌ماندگی کشورشان و ناتوانی و فساد حکومت مرکزی، راه‌حل را در بازنگری در هنجارهای سنتی جامعه متناسب با الگوهای اروپایی جستجو کردند (Rokni, 1987, p. 30). آنها با مقایسه جامعه ایران با جامعه اروپایی به این نتیجه رسیدند که باید بر اساس الگوهای غربی به وضعیت آشفته ایران پایان دهند (آقاحسینی و مهدی‌پور، ۱۳۹۲).

اما این آشنایی تدریجی با اصول تمدن غرب سبب شد که علما نقش مهم‌تری را در رخدادهای سیاسی-اجتماعی ایران ایفا کنند. علما مخالف حکومت وقت بودند که اساسش ظلم، ستم و بی‌عدالتی بود. با این حال، در مواجهه با افکار مدرن که روشنفکران آن عصر در حال ترویجش بودند، می‌بایست مواضع روشنی را اتخاذ می‌کردند؛ یا باید آن‌ها را رد می‌کردند و یا اینکه از آن دفاع می‌نمودند. از آنجایی که علما با زبان‌های غربی چون انگلیسی و فرانسوی آشنا نبودند، به نوشته‌های روشنفکران غربی به‌طور مستقیم دسترسی نداشتند؛ بنابراین با مفهوم مشروطیت و جایگاه متزلزل دین در این نوع نظام حکومتی در چارچوب مفهوم غربی آن کاملاً

ناآشنا بودند (Haeri, 1977). اگرچه علما برخی از راه‌حلهایی را که روشنفکران برای خلاص شدن از معضلات کشور ارائه می‌کردند، می‌پذیرفتند و تأیید می‌کردند، چون هدفشان محدود کردن قدرت شاه، رهایی مردم از شر بی‌کفایتی و ستم شاهان قاجار و کوتاه کردن دست استعمارگران از کشور بود، اما هیچ نوع سلطه غرب را نمی‌پذیرفتند و بر حفظ حاکمیت و استقلال ایران به‌عنوان کشوری اسلامی تأکید می‌کردند. واکنش و پاسخ علما در رابطه با افکار مدرنی که روشنفکران آن دوره مروج آن بودند، گفتمانی را در حلقه روحانیون به‌وجود آورد که از آن با عنوان گفتمان علما یاد می‌شود.

با توجه به آنچه که در بالا بدان اشاره شد، تحت تأثیر آموزه‌های غربی، انواع مختلفی از گفتمان‌های فکری در میان نسل اول روشنفکران ایرانی در دوره پیشامشروطه شکل گرفت که بررسی منابع دست دوم و تحلیل آن‌ها این دو دسته‌بندی اصلی را بر نگارنده مشخص کرد: گفتمان منورالفکران و گفتمان علما. گفتمان منورالفکران به سه دسته رادیکال‌های سکولار^{۱۴}، اصلاح‌گرایان پروتستان‌تیسیم^{۱۵}، مصلحت‌جویان واقع‌گرا^{۱۶} و گفتمان علما به دو دسته گفتمان علمای مشروطه‌خواه و مشروعه‌خواه تقسیم می‌شود (نک. عیسی‌نژاد، ۱۳۸۶؛ Haeri, 1977).

۵.۱. رادیکال‌های سکولار

براساس این گفتمان، قانون اساسی و مشروطیت باید بر اساس الگوهای غربی تجزیه و تحلیل می‌شد. در این گفتمان دین از سیاست جدا بود و یا اینکه باید به زندگی شخصی مردم محدود می‌شد (خلخال و پوزش، ۱۳۹۵). منورالفکران سکولار بسیار تحت تأثیر نظام مشروطه و سکولارهای غربی بودند و در نتیجه، الگوگیری از تمدن و فرهنگ غرب را تنها راه پیشرفت ایران و جامعه ایران تلقی می‌کردند. آنها «بدون در نظر گرفتن ساختار اجتماعی-فرهنگی-اقتصادی جامعه ایران می‌کوشیدند اندیشه‌های تازه غرب در عرصه سیاست و اجتماع را با ماهیت غیردینی تبیین

14. radical seculars

15. protestant reformers

16. expedient realists

نمایند» (خلخالی و پوزش، ۱۳۹۵، ص ۹۳). در این گفتمان قدرت تعقل و خردورزی بسیار مورد تأکید بود و عدالت و قانون نه بر اساس و موازین قوانین دینی، بلکه بر اساس تعقل و خردورزی جستجو می‌شد و بعضاً دین مورد حمله قرار می‌گرفت. سکولارها از ملی‌گرایی به شدت حمایت و ایران را با دوره باستان مقایسه می‌کردند و استدلال می‌نمودند که تاریخ، فرهنگ و زبان مشترک، ملت ایران را متحد نگه می‌دارد. آنها پیشگامان ناسیونالیسم سکولار^{۱۷} در ایران بودند و ایران را با گذشته پیش از اسلامش تداعی می‌کردند (Bashiriye, 2011). دو چهره شاخص این گفتمان میرزا فتحعلی آخوندزاده و میرزا آقاخان کرمانی بودند.

آخوندزاده متولد آذربایجان و ایرانی‌تبار بود. در ۲۲ سالگی به تفلیس رفت و با مطالعه آثار روشنفکران غربی به زبان روسی با عقاید غربی آشنا شد. وی از پیشگامان نمایشنامه‌نویسی در ایران است. آثار وی به ترکی و حاوی مضامین نقد اجتماعی است. تمثیلات و برخی دیگر از نمایشنامه‌های وی را میرزا جعفر قراچه‌داغی زیر نظر نویسنده به فارسی ترجمه کرده است. از دیدگاه قدرتی و هاشمی (۱۴۰۲) آثار آخوندزاده، ترجمانی از مدرنیته غربی است و بر این باورند که این آثار:

متمرکز بر آگاه‌سازی مردم نسبت به تفاوت‌های میان جامعه ایران و جوامع مترقی غربی است. آخوندزاده در نمایشنامه‌های خود، کمابیش وضع نابسامان جامعه ایران را از زبان شخصیت‌های موجود به تصویر می‌کشد و ضمن آنکه در خلال این تمثیل‌ها از بی‌قانونی، فقدان امنیت جانی و مالی مردم، پابندی آن‌ها به خرافه‌های سنتی، فساد دستگاه حکومت، عدم رعایت حقوق فردی و آزادی زنان و مواردی از این دست شکایت دارد، تصاویری از رونق و آبادانی بلاد فرنگ ارائه می‌کند تا مردم را با آنچه در جوامع غربی است آشنا سازد. (ص. ۲۰۲)»

میرزا آقاخان کرمانی، دگر چهره شاخص این گفتمان، به زبان‌های فرانسوی، انگلیسی و ترکی عثمانی مسلط بود و از طریق خواندن آثاری به این زبان‌ها با اندیشه‌های جدید تمدن غرب آشنا شد. وی آگاهانه و از روی اعتقاد در راه هدف آثار ترجمه‌ای خود را انتخاب می‌کرد (آذرنگ،

۱۳۹۵). ترجمه و تألیف رساله هفتاد و دو ملت اثر برناردن د سن پیر^{۱۸} (حاوی مضامین ضدخرافی) و ترجمه چند جزوه از تلماک^{۱۹} اثر فنلن^{۲۰} (حاوی مضامین اخلاقی، اجتماعی، فلسفی و نکاتی در باب کشورداری) در میان آثار ترجمه‌ای اوست.

۵.۲. اصلاح‌گران پروتستان‌تیسیم

برخلاف سکولارها که به دین حمله می‌کردند، اصلاح‌گرایان پروتستان‌تیسیم از حمله به دین خودداری و راجع به نهادهای مدرن سنجیده‌تر صحبت می‌کردند (خستو، ۱۳۸۶). در این گفتمان، رویکرد آزادی‌خواهی تعامل بین دین و سیاست بود؛ هرچند برخی معتقدند که نگاه این گفتمان به دین ابزاری بود (خستو، ۱۳۸۶). این منورالفکران تحت تأثیر جنبش پروتستان قرن شانزدهم غرب به‌رهبری مارتین لوتر^{۲۱} بودند. در این جنبش که متأثر از رنسانس و امانیسم بود، بسیاری از آموزه‌ها و اعمال دین مسیحیت به‌رهبری کلیسای کاتولیک رم و همین‌طور حاکمیت و تمامیت‌خواهی پاپ رد می‌شد (عیسی‌نژاد، ۱۳۸۶) و در نهایت، تلاش‌های این جنبش منجر به وضع قانون بدون نیاز به آموزه‌های دینی شد. اصلاح‌گرایان پروتستان‌تیسیم ایران، با اینکه تحت تأثیر جنبش پروتستان غرب بودند، دین و قوانین آن را رد نمی‌کردند؛ هرچند آن‌ها قانون را به دو دسته مادی و الهی تقسیم می‌کردند و معتقد بودند قوانین اسلامی که پیامبر اسلام (ص) از طریق وحی هزار و اندی سال پیش در اختیار انسان‌ها قرار داد، برای جامعه امروز مناسب و کافی نیست و باید بر اساس مقتضیات امروزی دنیای مدرن اصلاح شود و به قوانین مادی نیاز هست. بنابراین افراد منورالفکر و خردمند باید قوانین اجتماعی، سیاسی و مدنی را در نهادی به نام پارلمان وضع کنند. آنها تأکید داشتند که نهادهای روحانیت و سیاسی باید از هم جدا باشند تا مانع از آشوب و هرج و مرج اجتماعی شود (آبادیان، ۱۳۸۰). میرزا عبدالرحیم طالبوف تبریزی یکی از چهره‌های شاخص این گفتمان بود.

18. Bernardin de Saint-Pierre

19. Talmac

20. Fénelon

21. Martin Luther

طالبوف در نوجوانی برای کار و تحصیل به تفلیس رفت. در آنجا زبان روسی را فرا گرفت و از این طریق با آرای نویسندگان غربی آشنا شد. کتاب *سفینه طالبی* (حاوی مضامین علمی، اجتماعی، سیاسی و فلسفی) را با الهام از *امیل*^{۲۲} اثر ژان ژاک روسو^{۲۳} نوشت و آثاری چون *پندنامه مارکوس قیصر روم* (حاوی مضامینی چون خردگرایی و قانون‌مندی هستی) را از روسی به فارسی برگرداند. شیوه ترجمه وی آزاد بود و از آن در راستای ترویج اندیشه و روشنگری استفاده می‌کرد (آذرنگ، ۱۳۹۵).

۵.۳. مصلحت‌جویان واقع‌گرا

مهم‌ترین ویژگی این گفتمان تفسیر مدرنیته و عقلانیت بر اساس اسلام و سنت اسلامی بود. منورالفکران مصلحت‌جو و واقع‌گرا نگاهی واقع‌گرایانه^{۲۴} به دین داشتند و سعی می‌کردند در پوشش اسلام و قوانین شریعت، مدرنیته را به ایرانیان معرفی کنند، چون معتقد بودند «ساختار اجتماعی ایران دینی است و علما و روحانیت و ارزش‌های دینی نیروی مؤثر آن به شمار می‌رود. بنابراین تجدد برای ورود به زندگی اجتماعی و سیاسی ایرانی باید در لباس و تعبیر دینی قرار گیرد.» (عیسی‌نژاد، ۱۳۸۶، ص. ۳۵۴). آن‌ها سعی می‌کردند علما را متقاعد کنند افکار جدید مغایر با اسلام نیست. با این حال، تلاش این روشنفکران برای تطبیق دادن اندیشه‌های غربی با شریعت اسلامی سبب برداشت اشتباه علما راجع به مفهوم مشروطیت شد (Haeri, 1977). دو چهره شاخص این گفتمان میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله تبریزی و میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله بودند.

مستشارالدوله دیپلمات دوره ناصرالدین‌شاه بود و به زبان‌های عربی، ترکی، انگلیسی، روسی و فرانسوی تسلط داشت. مدتی کاردار سفارت ایران در پاریس بود و از نزدیک با اندیشه‌های مدرن غربی آشنا شد. مهم‌ترین اثر وی ترجمه و تألیف کتاب *یک کلمه*، اقتباسی از قانون اساسی فرانسه است که وی آن را با مبانی شرعی سازگار کرد تا به روحانیان ایران نشان بدهد که این

22. Emile

23. Jean-Jacques Rousseau

24. pragmatic

قوانین با قرآن مغایرت ندارد. این کتاب در برانگیختن احساسات مردم و شکل‌گیری انقلاب مشروطه نقش بسیار مهمی داشت؛ «در انجمن سری مشروطه‌خواهان به‌سان راهنمای سیاسی به آن می‌نگریستند [و] در تدوین قانون اساسی مشروطه از آن الهام گرفتند (آذرنگ، ۱۳۹۵، ص. ۲۸۱)».

میرزا ملک‌خان، دیگر چهره شاخص این گفتمان، به زبان‌های ارمنی، ترکی عثمانی، فرانسوی و انگلیسی مسلط بود. «با سمت وزیرمختاری به لندن رفت و در دوره اقامت شانزده ساله‌اش در انگلستان با نظام حکومت پارلمانی و اندیشه‌های فیلسوفان سیاسی انگلیسی آشنا شد» (آذرنگ، ۱۳۹۵، ص. ۲۷۹). در آنجا روزنامه *قانون* را منتشر کرد که در آن مقالاتی در حمایت از مشروطیت می‌نوشت که باعث خشم شاه و درباریان شد اما در میان گروه‌های مختلف مردم محبوبیت پیدا کرد. ملک‌خان آثاری را از انگلیسی و فرانسوی به فارسی برگرداند، مانند ترجمه کتاب *در آزادی*^{۲۵} اثر جان استوارت میل^{۲۶} (با مضمون آزادی‌های اجتماعی و مدنی) و *کتابچه بولتیکای دولتی* (با مضمون سیاسی) که مطالب آن را از منابع فرنگی ترجمه و سپس بر اساس آن تألیف کرد (نک. آذرنگ، ۱۳۹۵).

۵.۴. علمای مشروطه‌خواه

علمای مشروطه‌خواه معتقد بودند مشروطیت با اسلام مغایرتی ندارد و می‌پنداشتند اصول دموکراسی، مشابه اصول اسلام است، بدون آنکه به اختلافات رفع‌نشده این دو توجه زیادی داشته باشند. آن‌ها به دلیل عدم آگاهی از مشروطیت یا گمراه شدن توسط برخی از روشنفکران آن دوره، درک درستی از ایده رژیم دموکراتیک به مفهوم غربی آن نداشتند، چراکه «یک قانون اساسی دموکراتیک صرفاً کتابی نیست که توسط یک شخص یا مجموعه‌ای از افراد در چارچوب یک دین خاص ساخته شده باشد. این شامل قوانینی است که ممکن است قوانین دینی را نقض کند.» (Haeri, 1977, p. 201). در این گفتمان تلاش می‌شد تا نظام حکومتی مشروطه از لحاظ نظری

25. On Liberty

26. John Stuart Mill

با قوانین شریعت تطبیق داده شود و تلاش می‌شد تا سازگاری اسلام شیعی با اصول عقلانی گفتمان غربی نشان داده شود و استدلال می‌شد «در زمان غیبت امام زمان (عج) حکومت اسلامی کاملاً عادلانه غیرممکن است و مؤمنان باید به دنبال بهترین حالت ممکن باشند» (Tabari, cited in Keddie, 1983, p. 57). آن‌ها قوانین مصوب بشری در مجلس را در تقابل با قوانین شریعت نمی‌دیدند و اجرای ترکیبی از قوانین شریعت و مجلس را مجاز می‌دانستند. مهم‌ترین چهره این گفتمان آیت‌الله محمدحسین غروی نایینی بود. چنانچه که پیشتر اشاره شد علمایی چون وی به منابع غربی دسترسی مستقیم نداشتند، اما متأثر از تألیفات و ترجمه‌های منورالفکران آن دوره تألیفاتی را انجام دادند. کتاب *تنبيه الامه و تنزيه المله* معروف‌ترین تألیف وی در دفاع از مشروطیت و مخالفت با استبداد است که بعد از انقلاب مشروطه و پس از به توپ بسته شدن مجلس در بغداد چاپ شد.

۵.۵. علمای مشروعه‌خواه

علمای مشروعه‌خواه در عصر پیشامشروطه و دست‌کم در ابتدای جنبش مشروطیت برخی از اصول تفکر غربی را به‌صورت گزینشی پذیرفته بودند. ارکانی چون مجلس، قوانین (اسلام)، اصلاحات، استقرار مشروطیت مبتنی بر شریعت، آزادی‌های محدود، برابری در برابر قانون (اسلامی)، انتخابات، رأی دادن و حق نمایندگی مردم پذیرفته شده بود، اما مشروط‌بر تأیید فقیه که در نهایت نظرات یا آرای مردم را تأیید یا رد می‌کرد. بر اساس این گفتمان، حکومت مشروطه در صورتی مشروعیت داشت که فقیه که به‌طور غیرمستقیم توسط امام زمان (عج) منصوب شده بود، آن را تأیید می‌کرد (جمالزاده، ۱۳۷۷). بنابراین حامی مشروطه مشروعه بودند که بر اساس آن فقط قوانین اسلام می‌بایست به‌طور رسمی اجرا می‌شد و «از نوعی از اصلاحات حمایت می‌کردند که می‌بایست در چارچوب شریعت اسلامی صورت می‌گرفت [و فقط در این صورت] دفاع از آن را وظیفه مسلم خود می‌دانستند» (Haeri, 1977, p. 236). مهم‌ترین چهره این گفتمان شیخ فضل‌الله نوری بود. وی به‌دلیل آنکه کمی پس از اعلام مشروطیت اعدام شد، فرصت نیافت تا افکار سیاسی خود را به‌رشته تحریر درآورد. قابل ذکر است بین سال‌های ۱۲۸۵-۱۲۸۶ ه.ش. روزنامه‌ای در شاه عبدالعظیم به‌نمایدگی از او و هم‌پیمانانش که به‌مدت پنج ماه در آنجا تحصن

کرده بودند، در نوزده شماره منتشر شد. آنها این روزنامه را برای ترویج ایده‌های خود میان مردم منتشر می‌کردند (Brown, 1914).

۶. نتیجه‌گیری

بررسی و تحلیل منابع در پژوهش حاضر نشان می‌دهد که تلاش مترجمان دگراندیش و نسل اول روشنفکران ایرانی برای معرفی تفکر مدرن و به تبع آن شکل‌گیری گفتمان‌های فکری مختلف، یکی از مهم‌ترین عوامل به‌ثمر رسیدن انقلاب مشروطه در ایران بوده است. چنانچه نشان داده شد در این گفتمان‌ها حتی با وجود تفاوت‌های بنیادی در بعضی مسائل مهم اتفاق‌نظر وجود داشت، مانند نفی استبداد، قانون‌خواهی و مواردی از این دست. در نهایت، این تلاش‌ها منجر به افزایش آگاهی جمعی، اتحاد طبقات مختلف جامعه و برانگیخته شدن آن‌ها در مبارزه با استبداد شد. این مبارزات در دوره سلطنت مظفرالدین شاه به اوج خود رسید و به پیروزی انقلاب مشروطه ایران در ۱۹۰۶ م/ ۱۲۸۵ ه.ش ختم شد که می‌توان آن را نقطه عطفی در تاریخ ایران دانست.

منابع

- آبادیان، حسین (۱۳۸۰). تمدن غرب و گفتمان‌های روشنفکری عصر مشروطه. *فصلنامه مطالعات ملی*. ۲(۷)، صص. ۲۱۹-۲۴۶.
- آذرنگ، عبدالحسین (۱۳۹۴). *تاریخ ترجمه در ایران. از دوران باستان تا پایان عصر قاجار*. ققنوس.
- آقاحسینی، علیرضا و مهدی‌پور، آسیه (۱۳۹۲). شالوده‌شکنی گفتمان موج اول روشنفکری در ایران: میرزا ملکم‌خان، آخوندزاده و میرزا آقاخان کرمانی. *فصلنامه علمی دانش سیاسی*. ۹(۲)، صص. ۴۵-۵۸.
- جمالزاده، ناصر (۱۳۷۷). تنوع گفتمانی علمای شیعه در عصر مشروطیت. *دین و ارتباطات*. شماره ۶ و ۷، صص. ۴۵-۷۸.
- خستو، رحیم (۱۳۸۶). نسل اول روشنفکران ایرانی و مدرنیته سیاسی. *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*. ۴(۶)، صص. ۶۷-۱۰۲.
- خلخال، سیدمحی‌الدین و پوزش، محمد (۱۳۹۵). بررسی جریان‌های فکری عصر مشروطه. *تاریخنامه خوارزمی*. ۱(۱۳)، صص. ۹۲-۱۱۷.

زیباکلام، صادق (۱۳۹۴). *سنت و مدرنیته. ریشه‌یابی علل ناکامی اصلاحات و نوسازی سیاسی در ایران عصر قاجار*. روزنه.

ذاکرحسین، عبدالکریم (۱۳۷۵). *مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت*. انتشارات دانشگاه تهران.
سردارنیا، خلیل‌الله (۱۳۸۹). نسبت هویت و مدرنیته در اندیشه سیاسی-اجتماعی طالبوف تبریزی. *فصلنامه سیاست*. ۴۰(۳)، صص. ۱۷۱-۱۸۷.

شاه‌علی، احمدرضا (۱۳۹۱). جریان‌های روشنفکری در عصر مشروطه: چالش‌ها و فرصت‌ها. *نشریه پژوهش‌های سیاسی جهان/اسلام*. ۲(۱)، صص. ۸۷-۱۲۰.

قاسمی پویا، اقبال (۱۳۷۷). *مدارس جدید در دوره قاجاریه: بانیان و پیشروان*. مرکز نشر دانشگاهی.
قدرتی، مریم و هاشمی، محمدرضا (۱۴۰۲). واکاوی ترجمان مدرنیته در آثار میرزا فتحعلی آخوندزاده. *پژوهش‌های ادبی و فلسفی*. ۱(۱)، صص. ۱۹۵-۲۱۰.

کهن، گوئل (۱۳۶۰). *تاریخ سانسور در مطبوعات ایران* جلد یک. آگاه.
علم، محمدرضا و غلامی‌زرنه، احمد (۱۳۹۴). صنعت چاپ و سهم آن در توسعه علمی فرهنگی و فکری ایران عهد قاجاری. *فصلنامه تاریخ پژوهی*. شماره ۶۳، صص. ۲۰۳-۲۲۰.

عیسی‌نژاد، سیدمحمد (۱۳۸۶). جریان‌های فکری در نهضت مشروطیت و تداوم آنها در تاریخ معاصر. *ارائه شده در جریانه‌های فکری مشروطیت: مجموعه سخنرانیها، مقالات و ضمایم*. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی. صص. ۳۵۰-۳۷۷.

مریجی، شمس‌الله (۱۳۸۶). *بازشناسی جریان‌های روشنفکری در ایران. علوم سیاسی*. ۱۰(۳۲)، صص. ۴۵-۷۰.

Abrahamian, E. (1979). The causes of the Constitutional Revolution in Iran. *International Journal of Middle Eastern Studies*. 10 (3), pp. 381-414.

Abrahamian, E. (1982). *Iran between two revolutions*. Princeton University Press.

Bashiriyyeh, H. (2011). *The state and revolution in Iran: 1962-1982*. Routledge.

Brown, E.G. (1914). *The press and poetry of modern Persia: Partly based on the manuscript work of Mirxa Muhammad Ali Khan Tarbiyat of Tabriz*. Cambridge University Press.

Farahzad, F. & Adili, S. (2019). Translation, modernization and enlightenment: The Qajar translation movement. *Translation Studies*. 17(66), pp. 8-23.

Fard Saidi, M. (1947). *The early phases of political modernization in Iran: 1870-1925*.

- [Unpublished doctoral dissertation]. The University of Pennsylvania.
- Haddadian Moghaddam, E. (2014). *Literary translation in modern Iran. A sociological Study*. John Benjamin.
- Haeri, A. (1977). *Shi'ism and constitutionalism in Iran: A study of the role played by the Persian residents of Iraq in Iranian politic*. Brill Academic Publishers.
- Rokni, M. (1987). *The project of modernity in Iran, 1850 to 1900: A reinterpretation*. [Unpublished doctoral dissertation]. The American University.
- Tabari, A. (1993). The role of the clergy in modern Iranian politics. In N. R. Keddie, (Ed.), *Religion and politics in Iran: Shi'ism from quietism to revolution* (pp. 47–72). Yale University Press.
- Tavakoli Targhi, M. (1988). *The formation of two revolutionary discourse in modern Iran: The Constitutional Revolution of 1905-1906 and the Islamic Revolution of 1978–1974*. [Unpublished doctoral dissertation]. The University of Chicago.
- Yadegari, M. (1979). *The role of the Iranian emigrant press in the development of Iranian journalism*. [Unpublished doctoral dissertation]. New York University.